پاورقی (۱۷)

فصل دوم

«بن‌لادن» و همسرانش

منبع: القبس . مترجم: محمدعلی عسگری

بن لادن

اشاره: به‌راستی جدا از سازمان القاعده و فعالیت‌های مسلحانه آن، یا حملات تروریستی مهمی که با نام رهبر این تشکیلات عجین شده است، شخص اسامه بن‌لادن که بود و چگونه زندگی می‌کرد؟ کسی که نامش روزی پشت ابرقدرت جهان را می‌لرزاند و تشکیلاتش ترس و وحشت و مرگ را در همه‌جا می‌پراکند، در خانه و خانواده با همسران و کودکانش چگونه رفتار می‌کرد؟ اوقات فراغت خود را با آنها چگونه سپری می‌کرد؟ به آنها چه می‌آموخت و چه می‌گفت؟ با وجود اینکه پیوسته تحت پیگرد سازمان‌های اطلاعاتی بود و به همین جهت ناچار بود همه این ملاحظات را در نظر گیرد با زنان و فرزندان متعددش چگونه کنار می‌آمد؟ اینها پرسش‌هایی است که دایان دوکریه نویسنده فرانسوی تلاش می‌کند در کتاب خود «زنان دیکتاتورها» در رابطه با شخص بن‌لادن به آنها پاسخ دهد. نویسنده در اینجا تصویری ناشناخته و کاملا متفاوت با آنچه همگان در ذهن دارند از بن‌لادن ارایه می‌دهد که بیشتر به پشت‌صحنه یک فیلم مهیج شبیه است. این داستان به‌خصوص از زمان حملات ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱ تا زمانی که بن‌لادن به‌وسیله نیروهای آمریکایی در تاریخ دوم‌می سال ۲۰۱۱ در خانه‌اش در ابوت‌آباد پاکستان شکار شد، به‌شدت با سیاست و جنگ درهم آمیخته می‌شود. شرح زندگی خصوصی بن‌لادن به‌ویژه در ارتباط با زنان و فرزندانش را از امروز در «شرق» می‌خوانید:

بروکسل سال ۲۰۰۰

ملیکه و همسرش عبدالستار در آپارتمان‌شان داشتند تلویزیون تماشا می‌کردند. ناگهان تصویر شخصی نشان داده شد که بر او اثری کاملا غیرمنتظره گذاشت. آن تصویر چنان عبدالستار را مسحور خود کرده بود که او را بر آن داشت تا با صدای بلند فریاد بزند: «به قیافه‌اش نگاه کن. فوق‌العاده نیست؟!» بعد از چند لحظه، عبدالستار درباره عشق و علاقه‌اش نسبت به این مرد خوش‌سیما گفت. همسرش نیز در پاسخ به او گفت: «من هم دوستش دارم.» ملیکه‌العرود می‌گوید: «در آن لحظه، توی مغزم تصویر همسرم با اسامه بن‌لادن درهم آمیخت. خطوط چهره بیانگر نجابت و صفای باطنی‌اش بود. چشمانم از چهره عبدالستار به سمت آن زعیم اسلامی چرخید؛ همو که از پشت دوربین داشت همه را به مبارزه با فقر و ستم‌هایی که فقرا و پابرهنه‌ها را هدف قرار داده است، فرامی‌خواند.» آن زن و شوهر در حالی که در بلژیک اقامت داشتند به‌شدت شیفته آن مرد شدند. یک‌سال بعد یعنی در تاریخ ۹سپتامبر ۲۰۰۱ بود که عبدالستار دحمان خودش را در افغانستان منفجر کرد. او که به عنوان یک روزنامه‌نگار وارد افغانستان شده بود، مستقیم با رفتن به سراغ احمدشاه مسعود یعنی شیر پنجشیر رفت و بی‌محابا او را طی یک عملیات انتحاری به قتل رساند. کمتر از یک‌ماه بعد دوباره اسامه بن‌لادن بر صفحات تلویزیون آشکار شد و مسوولیت عملیات ۱۱سپتامبر را که در آمریکا انجام شده بود، برعهده گرفت.

ادامه دارد

ادامه از صفحه اول

مهلت تمام شد

حراست از حقوق بیت‌المال، سوءاستفاده از شرایط تحریم و امتیازات خاصی که زمینه ویژه‌خواری و درآمدهای غیرموجه را فراهم می‌آورد اعمالی است که بنا به دستورالعمل رییس‌جمهور، مانع پیشرفت و گسترش عدالت در جامعه است و باعث ایجاد رکود و مسبب رونق‌نیافتن مسایل اقتصادی در کشور است که به درستی مورد نظر دکتر روحانی است. آقای جهانگیری که باید ظرف یک‌ماه به رییس‌جمهور پاسخ دهد در تاریخ هفدهم دی‌ماه بخشنامه‌ای به تمامی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و موسسات دولتی و نهادهای سراسر کشور ابلاغ کرد که ظرف یک هفته، نسبت به تهیه و ارسال گزارش از هرگونه تخلف صورت‌گرفته- به‌ویژه در مسایل مالی و اقتصادی- با ذکر مشخصات کامل اشخاص ذی‌ربط، اعم از دولتی و غیردولتی و میزان تخلف اقدام کنند. مهلت یک‌ماهه رییس‌جمهور رو به اتمام است و همچنین مهلت یک‌هفته‌ای معاون اول رییس‌جمهور به سازمان‌ها هم دوروز پیش تمام شد. ظاهرا برای افشای «راز سربه‌مهر» موانعی وجود دارد یا حداقل قصه «بگم‌بگم‌ها» کماکان نقل محافل است. اما سوال از معاون اول رییس‌جمهور این است: «گره کور مبارزه با مفسدان اقتصادی کجاست؟ مگر قرار است چراغ‌به‌دست دنبال چیزی بگردیم که پنهان است؟». وقتی می‌گویند معوقات بانکی در اختیار چندین نفر است، وقتی اعلام می‌شود واردات کالاهای اساسی در انحصار چند نفر است، وقتی بسیاری از پروژه‌های بزرگ با ترک مزایده و مناقصه به مجموعه‌ای خاص واگذار شده است، وقتی همه این موضوعات روشن است: چرا این دفتر قرار است ناگشوده باقی بماند؟ باید مردم تفاوت بین بگم‌بگم‌های رییس دولت دهم با عزم جزم دکتر روحانی را به عینه ببینند. خطابم به مهندس اسحاق جهانگیری است... . فرصت قانونی شما تمام شد از امروز به بعد این شما هستید که باید پاسخگو باشید مگر اینکه اعلام کنید ویژه‌خواران از چنان اسکلت‌بندی مستحکمی برخوردارند که توان مبارزه با آنان وجود ندارد.

نخست‌وزیر اوکراین برای مهار بحران استعفا داد

یک، هیچ به‌نفع مخالفان

«نزاعی که در کشور پدید آمده، توسعه اقتصادی و اجتماعی اوکراین را تهدید می‌کند؛ همه شهروندان از این تهدید در رنج‌اند» اینها جملاتی است که میکولا آزاروف نخست‌وزیر اوکراین در متن استعفانامه خودش آورده است. آزاروف گفته این تصمیم را برای این گرفته که «فرصت بیشتری برای مصالحه اجتماعی و سیاسی و یافتن راهی مسالمت‌آمیز جهت حل‌وفصل تعارضات کنونی فراهم آورد». رییس جمهوری استعفای اورا پذیرفت به گزارش گاردین، استعفای نخست‌وزیر به‌معنی استعفای کل کابینه و انحلال دولت است. گرچه بر اساس قوانین اوکراین، دولت کنونی می‌تواند حداکثر به مدت ۶۰ روز و تا تشکیل دولت جدید اداره امور را در دست داشته باشد. نخست‌وزیر مستعفی اوکراین در توجیه تصمیم به استعفا از تلاش برای حل بحران کنونی نیز سخن گفته و افزوده است: «دولت هرآنچه را که در توان داشت برای حل مسالمت‌آمیز تعارض کنونی و جلوگیری از خونریزی، تشدید خشونت و تعدی به حقوق شهروندی به‌کار گرفت.» آزارف که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۰ به مقام نخست‌وزیری رسیده بود، نقش چشمگیری در طرح‌های اقتصادی دولت که مورد مخالفت اپوزیسیون هستند، داشت. کمی پس از استعفای آزاروف، پارلمان اوکراین تصمیم گرفت قانون جنجال‌برانگیز ضد تظاهرات را که در اواسط ماه ژانویه تصویب شده بود متوقف کند. در این قانون تظاهرات ضددولتی به‌شدت محدود و منع شده بود ولی نتیجه عکس بود و خود باعث بروز اعتراضات بیشتری علیه دولت شد و لغو این قانون هم به خواسته‌های تظاهرکنندگان افزوده شد. این لایحه از ابتکارات آزاروف دانسته می‌شد. به گزارش بی‌بی سی، ویکتور یانوکوویچ، رییس‌جمهور اوکراین، ضمن اعلام خبر لغو این قوانین گفت، حاضر است به معترضان عفو بدهد. البته برای عفوکردنشان دو شرط گذاشته؛ یکی اینکه سنگربندی‌های خیابان‌ها را بردارند و دیگر اینکه حمله به ساختمان‌های دولتی را متوقف کنند. این توافقات در گفت‌وگوی یانوکوویچ با سه نفر از رهبران مخالفان مطرح شد. دولت اوکراین برای آرام‌کردن تظاهرات حاضر شده امتیازات زیادی به مخالفان بدهد. با این همه مخالفان به کمتر از استعفای رییس‌جمهور راضی نمی‌شوند. در همین رابطه اولنا لوکاش، وزیر دادگستری اوکراین گفت آرسنی یاتسنیوک از رهبران اپوزیسیون اوکراین که پیش‌تر وزیر اقتصاد این کشور بوده، از پذیرش سمت نخست‌وزیری سر باز زده است. این یکی از امتیازاتی بود که یانوکوویچ قصد داشت به ازای توقف تظاهرات به مخالفان بدهد. حتی پس از استعفای نخست‌وزیر یکی از احزاب مخالف به رهبری یاتسنیوک اعلام کردند دوباره در میدان استقلال تجمع خواهند کرد. به‌ویژه اینکه دولت روز دوشنبه، پس از اینکه مخالفان توانستند وزارت دادگستری را تسخیر کنند، تهدید کرد که حالت فوق‌العاده اعلام خواهد کرد. همین تهدید کاترین اشتون، رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا را راهی کی‌یف کرد تا با یانوکوویچ و رهبران مخالفان گفت‌وگو کند. روز گذشته، جو بایدن معاون رییس‌جمهوری آمریکا نیز در تماسی تلفنی با یانوکوویچ، از دولت کی‌یف خواست تا در این کشور حالت فوق‌العاده اعلام نکند و برای برقراری صلح و آرامش و پایان‌دادن به بحران سیاسی، مذاکراتش را با مخالفان دولت ادامه دهد. در تماسی دیگر، بان کی مون، دبیرکل سازمان‌ملل، مذاکرات مسالمت‌آمیز را با هدف حل‌وفصل بحران سیاسی اوکراین خواستار شد. درگیری‌های اخیر اوکراین تاکنون شش کشته بر جای گذاشته و روسیه و غرب را رودرروی هم قرار داده است. به گزارش صدای روسیه، روز گذشته، سرگئی لاوروف، معترضان اوکراینی را «اوباش فاشیست» خواند.

عکس: AP

«تراژدی» و «کمدی» در اوکراین

PROJECT SYNDICATE
A WORLD OF IDEAS

ترجمه: سودابه رخش

کارل مارکس جمله معروفی دارد: رویدادهای تاریخی دوبار رخ می‌دهد، یک‌بار به‌صورت فاجعه و بار دیگر به شکل کمدی. در اوکراین متاسفانه تراژدی و کمدی جدانشدنی هستند. به همین دلیل اشتباه است که موج فعلی اعتراض‌های سیاسی به دلیل خودداری دولت از امضای توافقنامه همکاری با اتحادیه اروپا را «انقلاب نارنجی دوم» بخوانیم. در سال ۲۰۰۴ اوکراینی‌ها به امید پیوستن هرچه‌سریع‌تر به اتحادیه اروپا به خیابان ریختند تا انتخابات ریاست‌جمهوری به‌سرقت‌رفته‌شان را پس بگیرند. در آن زمان، اتحادیه مانند ماشینی فوق‌العاده قادر بود حکومت‌های خودکامه را دموکراتیک و جوامع فقیر را غنی کند؛ اما چیزی که این بار اوکراینی‌ها را به خیابان آورده متفاوت است؛ ترس از اینکه چشم‌انداز اروپایی کشورشان برای همیشه از بین برود. آنها می‌دانند که کشورشان در یک‌دهه آینده به اتحادیه اروپا نمی‌پیوندد و اتحادیه اروپا نیز خودش درگیر بحران است. اما آنها مصمم هستند که بر حق خود برای آینده اروپایی اصرار کنند. میراث واقعی «انقلاب نارنجی» که در موج فعلی اعتراض منعکس شده، این است که مردم آموخته‌اند نمی‌توان به رهبران سیاسی اعتماد کرد اما ده‌هاهزار نفری که در میدان استقلال «کی‌یف» جمع شده‌اند می‌توانند حق «وتو» را تمرین کنند. تفاوت عمده سال ۲۰۰۴ و امروز این است که اوکراین یک شبه وضعیت ممتاز ابهام جغرافیایی خود را از دست داده است. در طول دو دهه پس از «جنگ سرد»، این کشور مانند چمدان بزرگ بدون دسته‌ای بوده که شما نه می‌توانید آن را با خود ببرید و نه آن را در ایستگاه بگذارید. فرض بر این بوده که اوکراین میان یک طرفدار «روسیه شرقی» و «غرب اکثرا ضد روسیه» تقسیم شده و هر حرکت رادیکالی به تجزیه این کشور منجر خواهد شد. اقتصاد اوکراین همزمان، هم به روسیه و هم به اتحادیه اروپا وابسته است؛ مهاجران کار، هم به شرق می‌روند و هم به غرب؛ و الیگارش بانفوذ تخم‌مرغ‌هایش را حداقل در دو سبد نگه می‌دارد. از لحاظ سیاسی هم اوکراین، جهان فاسد، کثیف و ناکارآمد خود را دارد اما به نسبت روسیه و بلاروس کثرت‌گراتر و بازتر است. بنابراین اگرچه دانستن آنچه رهبران اوکراین می‌خواسته‌اند همیشه دشوار بوده، اما پیش‌بینی اینکه آنها تا چه حد جلو می‌روند آسان بوده است. جای تعجب نیست که نخبگان اوکراین در طول دو دهه گذشته وعده داده‌اند و از عمل‌کردن به تعهدات خود اجتناب کرده‌اند. اما همه اینها، تقریبا یک‌شبه تغییر کرده و اوکراین دیگر «کشوری در میانه» نیست. نه روسیه به جذب و ادغام کشورهای شوروی سابق در جامعه اقتصادی اوراسیا اصرار دارد و نه اتحادیه اروپا که با خودداری ویکتور یانوکوویچ از امضای قرارداد همکاری، تحقیر شده، می‌تواند با وضع موجود سر کند. بحران کنونی نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا قدرت ایجاد تغییر در سیاست‌های همسایگان اروپایی‌اش را دست‌کم گرفته است؛ این موضوع دو نکته را یادآوری می‌کند: قدرت جذبه سیاسی اتحادیه اروپا و ضعف دیپلماسی سیاسی این اتحادیه. در نهایت، همه اوکراین را اشتباه گرفته‌اند. سیاستمداران اروپایی موجب شدند روسیه به این باور برسد که اوکراین به اندازه کافی برای اتحادیه اروپا مهم نیست و در نتیجه روسیه نه‌تنها خواست که به نوبه خود از چرخش اوکراین به سمت اتحادیه اروپا جلوگیری کند بلکه این کشور را وارد پروژه یکپارچه‌سازی خود کند. روسیه هم اوکراین را اشتباه گرفته است. مقیاس تظاهرات «کی‌یف»، «کرملین» را شگفت‌زده کرده زیرا نخبگان روسیه هرگز جامعه مدنی را به‌عنوان یک بازیگر مستقل در سیاست‌های ملی در نظر نگرفته بودند و به‌همین‌دلیل متوجه ظهور یک اجماع اروپایی در جامعه اوکراین نشدند. اما پوتین به‌درستی محاسبه کرده که اکنون برخلاف ۹سال پیش، یانوکوویچ حاضر است برای ماندنش در قدرت از زور استفاده کند. تنها سه گزینه برای اوکراین باقی مانده: ۱- امضای توافقنامه با اتحادیه اروپا، چیزی که بسیاری از اوکراینی‌ها می‌خواهند. ۲- ملحق‌شدن به اوراسیای پوتین، چیزی که نخبگان سیاسی در خطر، آن را ترجیح می‌دهند و ۳- ورشکسته‌شدن.

نخستین مصاحبه گولن پس از ۱۶ سال

تشویق به حمایت از یک حزب توهین به شعور مردم است

فتح‌الله گولن که با افشای پرونده فساد ترکیه انگشت اتهامات به‌سوی او نشانه رفت در نخستین مصاحبه‌اش پس از ۱۶سال ادعای سازماندهی و بازداشت‌ها از سوی جنبش خود را رد کرد. روحانی مسلمان ترک که جنبش او («هیزمت» یا خدمت) در حال حاضر با دولت رجب طیب اردوغان دچار اختلاف شده است، در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی ترک تاکید کرد: این ممکن نیست که قضات و دادستان‌های تحقیقات از من دستور بگیرند. من هیچ ارتباطی با آنها ندارم. حتی یک‌دهم‌درصد از آنها را نمی‌شناسم. با این حال گولن ادعای فساد و رشوه در دولت ترکیه را واقعیت خواند و گفت: مطمئنا فساد وجود دارد و همه آن را می‌پذیرند؛ دولت، نخبگان، روشنفکران و همه این واقعیت را در ترکیه می‌بینند، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را تغییر دهد. گولن مدعی شد دولت ترکیه بدین منظور علیه جنبش او مساله وجود دولت موازی در داخل دولت را مطرح کرده تا بر اتهامات فساد و رشوه‌گیری خود سرپوش بگذارد.

او گفت: تنها به این دلیل بر دولت موازی تاکید شده تا نشان داده شود این رشوه‌گیری‌ها و مناقصه‌های غیرقانونی مسایلی عادی هستند و درخصوص آنها هیچ بحثی انجام نشود. گولن درخصوص فرآیند صلح دولت ترکیه با کردهای این کشور نیز گفت: هرگز مخالف مذاکره با پ‌ک‌ک نبوده است. او تاکید کرد: می‌توان مذاکراتی را با سازمان پ‌ک‌ک انجام داد اما باید شرف کشورحفظ شود.

فتح‌الله گولن همچنین درخصوص گرایش انتخاباتی خود در انتخابات محلی آتی گفت: هنوز تصمیمی درباره این انتخابات نگرفته است. او تاکید کرد: اگر قرار باشد من در این زمینه چیزی به مردم بگویم به آنها می‌گویم که مردم باید به آنهایی رای دهند که به دموکراسی و حاکمیت قانون احترام می‌گذارند و با مردم خوب هستند. اینکه من مردم را تشویق کنم در حمایت از یک حزب رای دهند توهین به شعور مردم است.

گولن درباره بالاگرفتن تنش‌ها میان ترکیه و رژیم اسراییل در سال‌های اخیر گفت: دولت ترکیه اشتباهاتی را مرتکب شد. او گفت: آنها تلاش می‌کنند ما را یک جنبش حامی اسراییل جلوه دهند به این معنی که ما نظر مساعدتری نسبت به ملت درباره اسراییل داریم. ما تنها اسراییلی‌ها را به‌عنوان یک مردم و بخشی از مردم جهان می‌پذیریم.

گولن همچنین درخصوص حمایت جنبش خود از ساخت ساختمان مذهبی مناقشه‌برانگیز برای علوی‌های ترکیه در آنکارا گفت: ما معتقدیم این کار برای وحدت با برادران علوی ما در ترکیه مفید است. ما ممکن است در این زمینه اشتباه کنیم اما بسیاری از مردم آن را می‌پذیرند.

مخالفان سوری تبادل اسیران با دولت را رد کردند

سخنان فیصل مقداد، معاون وزیرخارجه سوریه مبنی بر اینکه هیچ کودکی در زندان‌های سوریه وجود ندارد واکنش تند مخالفان را به دنبال داشت. لوی الصافی، سخنگوی ائتلاف مخالفان سوریه با متهم‌کردن دولت این کشور به بازداشت کودکان اعلام کرد: ما نمی‌توانیم با دولت سوریه دست به تبادل اسیران بزنیم. به گزارش ایسنا، او مدعی شد: تعداد بازداشت‌شدگان در زندان‌های دولت سوریه به بیش از ۲۰هزار نفر می‌رسد که تعداد زیادی از آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند.

در همین راستا عمران الزعبی، وزیر اطلاع‌رسانی سوریه با بیان اینکه سفیر سابق آمریکا در سوریه رهبری ائتلاف مخالفان را بر عهده دارد، تصریح کرد: مخالفت شدید ائتلاف مخالفان با طرح مقدماتی دمشق نشانگر تروریستی بودن این ائتلاف است. همچنین بثینه شعبان، مشاور سیاسی و رسانه‌ای رییس‌جمهوری سوریه با بیان اینکه مردم سوریه منفعت خود را می‌شناسند و تنها آنها حق دارند آنچه را که برای خود خوب است، تعیین کنند، اعلام کرد: کشورهای غربی حق تعیین و تعریف منافع مردم سوریه را ندارند. سخنان او در حالی مطرح شده که منابع حاضر در ژنو سوییس فاش کردند یک هیات ۲۰نفره از دیپلمات‌های آمریکایی به سرپرستی رابرت فورد هدایت گروه موسوم به ائتلاف سوریه را در مذاکرات جاری بر عهده دارند. یکی از مقامات آمریکایی هم از مخالفت دولت سوریه به‌منظور ارسال کمک‌های حیاتی به غیرنظامیان شهر حمص خبر داده است.

با این حال ارتش سوریه هم در ادامه عملیات نظامی خود علیه شورشیان مسلح در این کشور ده‌ها نفر از تروریست‌ها از جمله شورشیان عربستانی را در مناطق مختلف دمشق به هلاکت رساند. این در حالی است که دومین محموله مواد شیمیایی سوریه برای امحا به دریای مدیترانه منتقل شد. از دیگر سو آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل ناتو تاکید کرد: هیچ‌گونه راه‌حل نظامی برای بحران سوریه وجود ندارد و تنها راه‌حل بحران سوریه، راهکار سیاسی است.

چهره

جانشین «السیسی» کیست؟

● «صدقی صبحی» نامزد **وزارت دفاع مصر** شد. اعلام نامزدی او برای جانشینی السیسی در حالی است که شورایعالی نیروهای مسلح مصر با درخواست عبدالفتاح السیسی برای استعفا از منصبش به‌عنوان وزیر دفاع موافقت کرده است. با این حال السیسی هنوز استعفای خود را به حازم الببلاوی، نخست‌وزیر این کشور ارایه نداده است. ارایه استعفا نخستین گامی است که برای شرکت السیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری مصر لازم است. در همین حال احمد شفیق، نامزد سابق انتخابات ریاست‌جمهوری مصرگفت در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی نامزد نخواهد شد. **(ایسنا)**

ولخرجی نکن!

● **الیزابت دوم، ملکه انگلیس** که ذخایرش اکنون به یک میلیون پوند معادل ۶۵/۱ میلیون دلار رسیده است، ولخرجی‌هایش انتقاد قانونگذاران انگلیسی را به‌دنبال داشت. قانونگذاران انگلیسی از دربار سلطنتی خواستند تا دربار هزینه‌های اداره خود را کاهش داده و تعمیرات عقب‌افتاده را انجام دهد. کمیته حساب‌های دولتی پارلمان انگلیس در گزارشی فاش کرد مبالغ گزافی پول برای حفظ دارایی‌های متعلق به میراث ملی انگلیس نظیر موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن لازم است که ۱۸سال منتظر ترمیم است. **(خبرگزاری فرانسه)**

«مرسی» به قفس نرفت
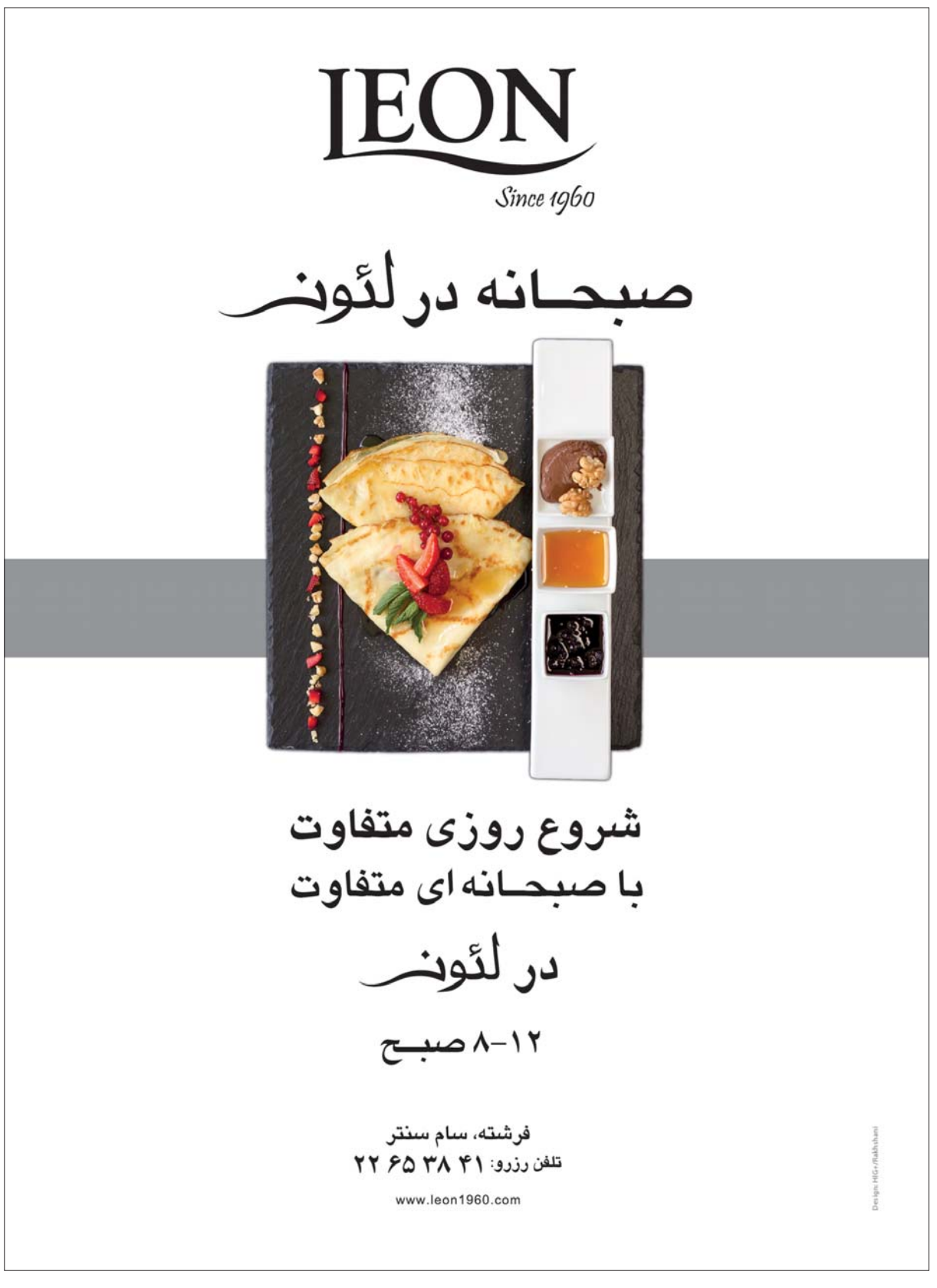
● **محمد مرسی، رییس‌جمهور برکنار شده مصر** به اتهام فرار از زندان «وادی النطرون» در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ محاکمه شد. مرسی که در آغاز جلسه از واردشدن به قفس اتهام اجتناب می‌ورزید با جنجال وارد قفس اتهام شده و فریاد می‌زد: «من رییس‌جمهورقانونی مصر هستم.» این اولین جلسه محاکمه محمد مرسی و رهبران اخوان‌المسلمین به اتهام حمله به زندان‌های مصر در جریان انقلاب «۲۵ ژانویه» بود. در این جلسه مرسی با لباسی متفاوت از لباس متهمان در قفس اتهام حاضر شده بود. **(الجزیره)**